

## بررسی شبکه معنایی واژه «وجه» و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم از منظر معناشناسی شناختی: مطالعه موردی سوره مبارکه بقره<sup>۱</sup>

محمد قمی<sup>۲</sup> و فرهاد دیوسالار<sup>۳</sup>

### چکیده

ترجمه دقیق آیات قرآن کریم جهت دستیابی به مفاهیم عمیق، مترجمان را به سوی علوم جدید سوق داد. از آنجا که معناشناسی شناختی، معنا را با تکیه بر شناخت بررسی می‌کند، می‌تواند با تکیه بر مقوله‌بندی مفاهیم زبانی، معنای اصلی و سرنمونی را شناسایی و آن را با معنای فرعی گره زده و شبکه معنایی را تشکیل دهد تا به این پرسش پژوهش پاسخی شایسته داده شود: واژه وجه در قرآن کریم و به‌طور خاص در سوره مبارکه بقره، باتوجه به شبکه معنایی دارای چه مفاهیمی است و ترجمه متناسب آن چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا معنای این واژه از منابع معتبر لغت، جست‌وجو و سپس از محور هم‌نشینی در فهم معنا و ترجمه آن، کمک گرفته می‌شود تا مفهوم واقعی واژه و رای ظاهر هویدا شود. واژه «وجه» از کلمات پرتکرار است که ۷۷ بار در کل قرآن کریم به کار رفته و بیشترین تکرار (یازده بار) در سوره مبارکه بقره است که محدوده پژوهش می‌باشد. مقاله حاضر سعی دارد با روش توصیفی تحلیلی به کمک مقوله شعاعی و روابط هم‌نشینی میان کلمات، این آیات را بررسی نماید تا نتیجه بگیرد که معنای سرنمونی «وجه» همان چهره و صورت است و معنای فرعی آن، نفس و ذات است. مزیت بررسی کلمه «وجه» در قرآن با روش معناشناسی شناختی آن است که جهان‌بینی قرآن در ارتباط با واژه وجه، مشخص، و معارف پنهان قرآن استخراج می‌شود.

**واژه‌های راهنما:** شبکه معنایی، قرآن کریم، معناشناسی شناختی، وجه

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ به تصویب رسید.

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.  
ghomi.m.1403@gmail.com

۳. نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. پست الکترونیک: divsalarf@yahoo.com

## ۱. مقدمه

معناشناسی واژه‌های قرآن، از روش‌های نو در پژوهش قرآن کریم می‌باشد. طی چند دهه اخیر برای فهم معنای متون زبانی، علوم جدیدی تولید شده است که برخلاف دانش‌هایی که بیشتر محتوا محورند، همگی به نوعی روش محور هستند. معناشناسی، روش برگزیده در این مقاله است که حوزه‌ها و مکاتب متعدد و متنوعی دارد. در این مقاله به مکتب فرهنگی و زبان‌شناسی قومی (ethno-linguistics) آلمان‌ها معروف به مکتب بن و نظریه بافت (مکتب لندن) با توجه به سیاق و روابط هم‌نشینی و جانشینی توجه شده است.

مکتب بن ریشه در مطالعات زبان‌شناسی قوم‌نگاری دارد که به روابط متقابل جهان بیرونی و فرهنگ و بستر زبان متن می‌پردازد و درصدد کشف جهان‌بینی حاکم بر متن و از خلال آن، دستیابی به معنای مدنظر است (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص. ۵). مکتب لندن به مقوله معنا توجه خاص دارد که نتیجه روابط شبکه‌ای و زنجیره‌ای است که محصول بافت موقعیت می‌باشد (مختار عمر، ۱۹۹۸، ص. ۸۲). لذا «در ترجمه متون دینی و کتب آسمانی، مترجم به لحاظ اهمیت ویژه این متون باید به دو موضوع توجه خاص مبذول بدارد. اول عنصر بافتار، و دوم مسائل فرهنگی» (لطفی‌ور ساعدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۰) و «یک ترجمه خوب، ترجمه‌ای است که علاوه بر رعایت دقیق معنا و نکته‌های ادبی از نظر آهنگ و احساس هم به گونه‌ای باشد که مخاطب احساس کند متن به زبان اصلی است و خداوند به‌طور غیرمستقیم با او سخن می‌گوید» (تقیه، ۱۳۸۲، ص. ۴۹).

مکتب بن که ایزوتسو آغازگر به‌کارگیری آن در پژوهش‌های قرآنی است، سعی دارد با تحقیق در کلمات قرآن، طرز نگرش قرآن را کشف کند. در این روش کلماتی که نقش قطعی در ساختن جهان بینی قرآن دارند، کلمات کلیدی قرآن خوانده می‌شوند؛ مثل الله، ایمان، کفر و غیره. هر کدام از کلمات کلیدی قرآن زیرمجموعه‌هایی دارند که با آن کلمه کلیدی در ارتباط هستند. کلمات کلیدی به همراه زیر مجموعه‌ها گستره‌ای از کلمات را تشکیل می‌دهند که میدان‌های

معناشناسی نامیده می‌شوند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، صص ۱-۲۶).

در این پژوهش، واژه «وجه» باتوجه‌به مؤلفه‌های مطرح در معناشناسی مورد توجه قرار گرفته است. پرسش اصلی در مقاله حاضر این است که: واژه وجه در قرآن کریم باتوجه‌به شبکه‌های معنایی دارای چه مفاهیمی است و ترجمه متناسب آن چگونه است؟

واژه وجه در قرآن کریم معانی متعددی مانند: صورت، ذات خداوند، پیامبران، انسان‌های وارسته و گنجهکار، طرف، سمت و سو، ابتدا و انتهای زمان، عضو بدن، ثواب و خشنودی، دوستی و محبت دارد و از طرف دیگر مفاهیمی که خدای متعال از واژه‌ها و عبارتهای قرآن کریم قصد نموده، متعدد است، لذا این مفاهیم در دو بخش معنای ظاهری و باطنی بررسی می‌شود.

روش تحقیق در این پژوهش این‌گونه است که ابتدا واژه وجه از سوره مبارکه بقره شناسایی می‌شود، سپس باتوجه‌به بافت آیات و ارتباط میان واژه و کلمات مجاور و سیاق و بستری که محتوا در آن تولید شده یعنی شبکه معنایی و مقوله شعاعی و معنای واژه از نظر ظاهری و باطنی بررسی می‌شود تا مفهوم واقعی آن مشخص گردد و در نهایت ترجمه‌های معناشناسانه ارائه شود.

مطالعات ترجمه در متون دینی دارای سابقه می‌باشد اما پژوهش پیرامون واژه «وجه» تنها در مقاله‌ای با عنوان معناشناسی واژه «وجه» در قرآن کریم (۱۳۹۶) انجام شده است که در مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم دوره ۶ شماره ۲ به چاپ رسید. عمادی اندانی و حاجی اسماعیلی در این مقاله به بررسی معانی مختلف این واژه پرداخته و نتیجه گرفتند که باتوجه‌به سیاق آیات، کاربردهای مختلف معنایی داشته و در لایه‌های مختلفی به کار رفته است اما از ارتباط میان واژه‌ها و شبکه معنایی و سرنمونی سخنی به میان نیامده و در واقع از منظر شناختی بررسی نشده است.

۲۵ بررسی شبکه معنایی واژه «وجه» و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم ...

در بررسی و تحلیل متن بخصوص متون دینی جهت حصول نتایج علمی و قابل استناد، استفاده از روش‌های علمی و متقن ضروری می‌نماید. به بیان دیگر هر چه متن پیچیده‌تر، ادبی‌تر، چند لایه‌ای‌تر و در صدد انتقال معانی بیشتر با حجم زبانی کم‌تر باشد، کار معناشناسی به همان میزان سخت‌تر و پرهیجان‌تر می‌شود و نیاز به قواعد منظم و قانون‌های منسجم بیشتر رخ می‌نماید (مطیع، ۱۳۸۷، ص. ۳۱).

## ۲-۱. معناشناسی

معناشناسی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی و از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین و در عین حال جذاب‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌آید؛ مهم است، زیرا درباره معنای بحث می‌کند؛ چیزی که وظیفه اصلی زبان است. پیچیده است زیرا درباره اموری بحث می‌کند که به تنهایی به شاخه‌هایی تقسیم می‌شود که دارای طبیعت فلسفی است. لذت‌بخش است زیرا گشودن چیز پیچیده به پژوهش‌گر لذت ذهنی پیش‌برنده می‌بخشد (الخولی، ۲۰۰۰، ص. ۱۱۰).

هر متن و یا کلامی، اطلاعات و دانسته‌های فراوانی در خود نهفته دارد و به همین دلیل، باید با آن به‌عنوان موضوعی شناختی برخورد کرد. معناشناسی به‌گونه‌ای که مورد نظر ماست، در پی کشف چگونگی سازماندهی این دانسته‌ها در کلام و بررسی تأثیر معنایی آن‌ها در خواننده یا شنونده است (شعیری، ۱۳۹۷: ۳).

بافت زبانی، معنی را برحسب روابط موجود میان واژه‌ها و البته به‌صورت روابط هم‌نشینی (Syntagmatic) و نه جانشینی (Paradigmatic) بررسی می‌کند. روابط هم‌نشینی، یک عنصر زبانی را با سایر عناصر تشکیل دهنده زبان متن ارتباط می‌دهد و مربوط به ترکیب و نسبت‌های همجواری کلمات با یکدیگر می‌باشد.

## ۲-۲. معناشناسی شناختی

معناشناسی شناختی الگویی است که حدود سال ۱۹۸۰ میلادی در قالب بخشی از

زبان‌شناسی شناختی پدید آمد. جرج لیکاف (G. Lakoff) و رونالد لانگر (R. Langacker)، معتقد بودند که بنیاد مطالعات زبان‌شناسی باید بر اساس معنی و باتوجه‌به قوای شناختی انسان باشد (راسخ مهند، ۱۳۹۷، ص. ۷) اساس این دیدگاه پیوند میان دستور و معناست (گیررتس، ۱۳۹۳، ص. ۳۷۴).

اصطلاح معناشناسی شناختی، در کنار دو مکتب صورت‌گرا و نقش‌گرا نخستین بار توسط لیکاف مطرح شد. بر اساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست (شریفی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۷). دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است (صفوی، ۱۳۹۲، ص. ۳۶۴).

معناشناسی شناختی این ادعا را مطرح کرد که زبان انعکاس مستقیم شناخت است؛ بدین معنا که هر تعبیر زبانی با مفهوم سازی از موقعیت خاصی همراه است. زبان به‌صورت مستقیم موقعیت‌های خارجی را نشان نمی‌دهد، اما سیستم شناختی ذهن، واقعیت را به تصویر می‌کشد و معنا همان نحوه شناخت و مفهوم سازی ذهن گوینده از موقعیت یا صحنه است. پس در این نظریه «معنا» همان «مفهوم سازی ذهن» است (Lee, 2001, 2).

اصطلاح «شناختی» در این نظریه به معنای ساختار مفهومی یا گزاره‌ای یا مشروط به صدق (truth-conditional) نبوده است که با رجوع به اشیا در جهان خارج تعیین می‌شود، بلکه گونه ساختار و فعالیت ذهنی (به‌طور غالب ناخودآگاه) را توصیف می‌کند که در زبان، معنا، ادراک حسی، دستگاه‌های مفهومی، و تعقل در کارند (Lakoff and Jahnson, 1999, 11-12). به اعتقاد این دسته از معناشناسان، معنا مبتنی بر ساخت‌های مفهومی قراردادی است. به این ترتیب ساخت‌های معنایی هم چون سایر حوزه‌های شناختی، مقولات ذهنی را باز می‌نمایند که انسان‌ها از طریق تجربیاتشان به آن شکل داده‌اند (صفوی، ۱۳۹۲، ص. ۳۶۷). باور به نوعی معنای بافتی و منعطف در کاربرد از جمله اصول نظریه شناختی مطرح است (گیررتس، ۱۳۹۳، ص. ۳۷۴). به بیان دیگر، «معناشناسی شناختی بررسی محتوای مفهومی و سازمان‌بندی آن در زبان است» (تالمی، ۲۰۰۰،

۲۷ بررسی شبکه معنایی واژه «وجه» و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم ...

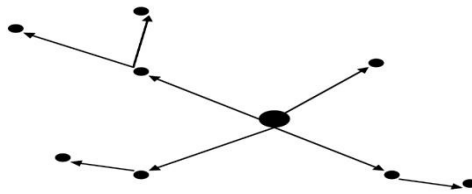
ص. ۴) و شامل مفاهیم و مباحثی مانند استعاره و مجاز، معنی دائرة المعارفی، مقوله بندی و نظریه سرنمونی، فضاهاى ذهنی، و آمیزه مفهومی (conceptual blending) می‌شود (راسخ مهند، ۱۳۹۷، ص. ۳۸). در معناشناسی شناختی نظریه‌هایی مطرح شد که در شناخت معنای کلام کمک کننده هستند. نظریه معنی‌شناسی واژگانی شناختی که بر پایه مقوله‌بندی و سرنمونی و استعاره و مجاز شکل گرفته است، در این پژوهش محور کار می‌باشد.

### ۱-۲-۲. چند معنایی

چند معنایی در اشاره به واژه‌های دارای معانی مرتبط به کار می‌رود. بر این اساس چند معنایی صورت ثانوی یک معنایی (monosemy) است یعنی هر واژه یک معنی نسبتاً انتزاعی دارد، و معانی دیگر آن بر اساس بافت، مقصود گوینده و آشنایی شنونده با این مقصود، ودلائل دیگر از همین معنی انتزاعی مشتق می‌شود (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص. ۲۳۹).

### ۲-۲-۲. مقولات شعاعی و شبکه معنایی

مقوله شعاعی مقوله‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی یا سرنمونی سازمان‌بندی شده اند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص. ۳۳۱). از نظر لیکاف، واژه‌ها مقولاتی پیچیده دارند که وی آن‌ها را «مقولات شعاعی» می‌نامد و اعضاء مختلف مقوله بر اساس قرارداد، با سرنمون در ارتباط هستند. لیکاف بر اساس مقولات شعاعی، چند معنایی (polysemy) را بررسی کرده است. (راسخ مهند، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۷). در واقع هر واژه چند معنا، یک شبکه معنایی را تشکیل می‌دهند که شامل معانی مرتبط به هم است که برخی از این معانی حاشیه‌ای و برخی مرکزی هستند. به بیان دیگر در شبکه معنایی «تعریف یا معنای یک واژه باتوجه به مجموعه روابط این واژه با واژه‌های دیگر مشخص می‌شود» (حسابی، ۱۳۹۳، ص. ۱۹).



شکل ۱: انگاره مقولات شعاعی (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ص. ۳۳۲)

### ۳. تحلیل و تطبیق مباحث نظری با قرآن کریم

معناشناسی شناختی، متأخرترین و هم زمان، مطرح‌ترین دیدگاه در میان نظریه‌های معناشناسی معاصر است و به معنا در ساختار زبان توجه می‌کند، نقش کاربرد و دانش دائرة المعارفی را در معناشناسی نادیده نگرفته و چندمعنایی را به صورتی گسترده‌تری مطرح می‌کند. در این نگرش، معانی مختلف هر واژه را در یک شبکه معنایی به کمک مقوله شعاعی بیان نموده، سپس با بررسی حوزه‌های معناشناسی، وجه مادی و معنوی و معنای ظاهری و باطنی را به همراه ارتباط سیستمی میان آن‌ها، کشف و سپس لایه‌های معنایی آیات شناسایی می‌شود.

#### ۱-۳. واژه «وجه» در فرهنگ لغت

کتب فرهنگ لغت در ترجمه «وجه» گفته‌اند: اصل واحدی است که بر مقابله چیزی دلالت دارد و الوجه: جلوی هر چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص. ۸۸)؛ معنای آن در اصل صورت و چهره است و چون صورت اولین چیزی است که با تو روبرو می‌شود و نیز از همه اعضای بدن شریف‌تر است؛ بنابراین به معنی روی و اول هر چیز به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص. ۴۲۱). همچنین آمده است: وَجْه، آن چیزی است که مورد توجه و مواجهه باشد، خواه ظاهری و مادی باشد یا معنوی و روحانی، و این معنی در هر چیزی به مناسبت آن منظور می‌شود، در حیوان این معنی به صورت و روی تطبیق می‌شود و در موضوعات روحانی به ذات لطیف روحانی توجه می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص. ۴۵). وجه النهار یعنی اول آن، وجه الکلام یعنی راهی که به وسیله آن کلام قصد شده است. وجوه القوم یعنی سرورانشان (ابن درید الأزدی، ۱۹۸۷، ج ۱،

۲۹ بررسی شبکه معنایی واژه «وجه» و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم ...

ص. ۴۹۸). و التوجیه یعنی قرار دادن چیزی مورد توجه شخص یا چیزی. المواجهه که در آن استمرار توجه است. الوجیه به معنی کسی که صاحب وجه و وجاهت باشد و مورد توجه ظاهری یا روحانی مردم یا خداوند متعال باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص. ۴۸).

## ۲-۳. کاربرد واژه «وجه» در قرآن کریم

در قرآن کریم واژه وجه به صورت‌ها و معانی گوناگونی به کار رفته است؛ یعنی علاوه بر معنای وجه که همان لغت عرفی است و مقصود صورت می‌باشد، به معنای علاقه و محبت، اول و ابتدا، روی گردان شدن، خالص کردن و تسلیم شدن و وجه الله بکار رفته است. این کلمه در قرآن کریم فقط در دو باب تفعیل و تفعل آمده است.

واژه وجه و مشتقات آن در قرآن کریم ۷۷ مرتبه به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۸۳، ص. ۸۹۳)؛ و به معانی مختلف زیر می‌باشد. برای یکسان بودن ترجمه معیار از ترجمه فولادوند استفاده شده است.

## ۴. تحلیل واژه «وجه» در سوره مبارکه بقره

واژه «وجه» و هم‌خانواده‌هایش یازده بار در سوره مبارکه بقره آمده که بیشترین فراوانی را نسبت به سوره دیگر دارد و اغلب به همراه ضمیر آمده است. واژه «وجه» در قرآن کریم ۳۷ بار به کار رفته است. از این موارد، ۱۷ بار به همراه ضمیر «هم»، و ۸ بار با ضمیر «کم» و ۱۲ بار بدون ضمیر آمده است. در سوره مبارکه بقره ۳ بار از وجوه استفاده شده که پس از فعل‌های «وَلَّوْا» و «تَوَلَّوْا» آمده است. باتوجه به بافت زبانی و سیاق عبارات، به تعیین قبله و بیان توجه و روی آوردن بدان می‌باشد.

## ۴-۱. شبکه معنایی «وجه»

هر واژه ضرورتاً یک معنای اصلی و سرنمونی دارد که معمولاً پربسامدترین و اغلب



ملموس‌ترین معنای یک واژه است. حول محور معنای اصلی واژه، معانی ثانوی و فرعی دیگری هستند که انتزاعی‌تر و کم‌بسامدترند و به اصطلاح در مقوله شاعی جای می‌گیرند (تیلور و لیتلمور، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۲). بسیاری از معانی فرعی که برای کلمه وجه مطرح می‌شود با معنای سرنمونی گره می‌خورد و شبکه معنایی شکل می‌گیرد.

#### ۲-۴. سرنمونی

در زبان عربی به دلیل سرچشمه گرفتن مقوله‌های واژگانی از یک ریشه، جهت تعیین سرنمون ابتدا باید واژه سرنمونی و معنای آن یافت شود که هر دو با استفاده از معیارهای تعیین معنای مرجع قابل دستیابی است که شامل پنج معیار می‌باشد (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۳، ص. ۴۵-۴۷): نخستین معنای تاریخی تأیید شده؛ غلبه در شبکه معنایی، قابلیت پیش بینی سایر معانی، دارا بودن پیشینه شناختی قابل قبول و ارتباط با تجربه زیسته. معیار اول (نخستین معنای تاریخی تأیید شده) با جستجو در لغت‌نامه‌های متقدم احراز می‌شود. اما به جهت تدوین همه این لغت‌نامه‌ها پس از نزول قرآن کریم، برای بررسی این معیار نمی‌توان به آن‌ها اکتفاء نمود. معیار دوم (غلبه در شبکه معنایی)، دریافت مؤلفه‌های معنایی سرنمون در معانی دیگر واژگان هم‌ریشه با آن است. معیار سوم (قابلیت پیش بینی سایر معانی)، یافتن ارتباط میان معانی متمایز با معنای سرنمون و با یکدیگر است. معیار چهارم (دارا بودن پیشینه شناختی قابل قبول)، دریافت این مطلب است که بشر در اولین برخوردهای خود با جهان خارج کدام معنا را زودتر شناخته است. معیار پنجم (ارتباط با تجربه زیسته انسانی)، به معنایی اشاره دارد که در شبکه معنایی واژه در زمان حاضر، میان معانی غالب است.

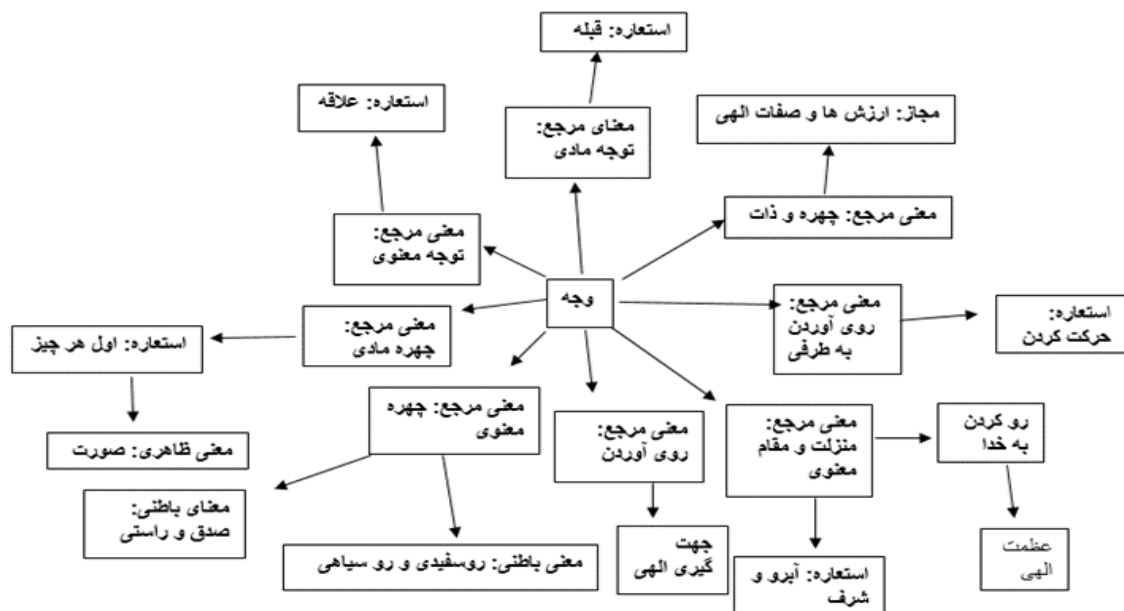
#### ۳-۴. مقوله شاعی واژه وجه

لغت‌شناسان در بیان معنای کلمه «وَجْه» به این موارد اشاره نمودند: چهره و صورت، اول و ابتدای چیزی، سمت و جهت، توجه، علاقه، قبله و طریقه، رضایت الهی، ارزش معنوی، روی آوردن،

ذات الهی، شریف ترین عضو بدن، نقطه واضح هر چیزی و امثال آن.

معانی دیگر واژگان هم‌ریشه مرتبط با معانی بالا می‌باشد. التوجیه (قرار دادن چیزی مورد توجه شخص یا چیزی) و (المواجهه (توجه مداوم) و الوجیه (صاحب وجهه و جاهت).

کاربرد لغت در ترکیب با کلمات دیگر و حفظ مفهوم سرنمون. ترکیباتی مانند: وجه النهار (اول روز)، وجه الکلام (راهی که بدان وسیله کلام قصد شده است)، وجوه القوم (سروران قوم).



شکل ۲: انگاره مقوله شعاعی واژه «وجه»

#### ۴-۴. شبکه معنایی و مقوله شعاعی واژه «وجه» در سوره مبارکه بقره

کلمه «وَجْهَهُ» در آیه ۱۱۲، بعد از «أَسْلَمَ» و قبل از «لِلَّهِ» آمده و در معنای دین می‌باشد. سیاق عبارت در مورد افرادی است که تسلیم فرمان الهی هستند زیرا ریشه «اسلام» خضوع و انقیاد است. جانشینی صفت تسلیم در برابر خدا، با همنشینی امنیت و عدم حزن، مفهوم و پیام اصلی یعنی احساس امنیت و آرامش را وعده می‌دهد.

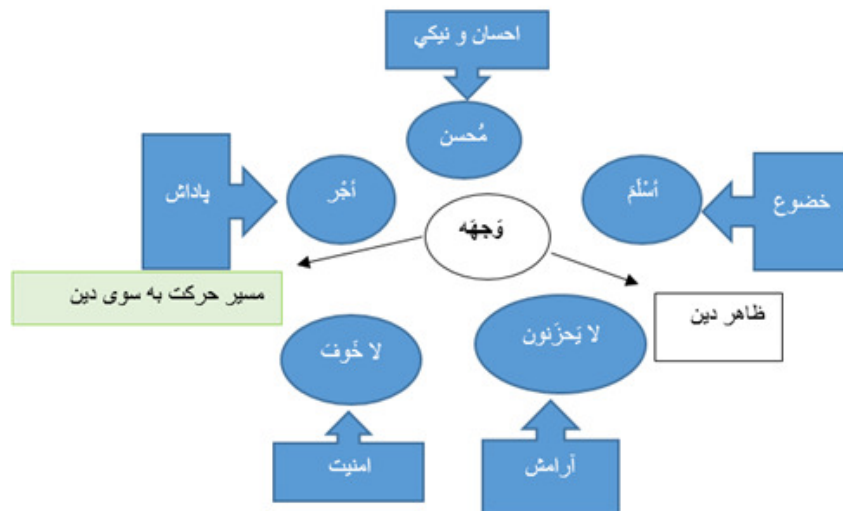
در آیات ۱۱۵ و ۱۴۴ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۷۷ بافت و سیاق مشابهی را شاهد هستیم

بدین صورت که قبل از کلمه «وجه» و «وجه» از افعال «تَقَلَّبَ، وَلَّوْا، وَلَّ، وُلَّوْا، و تَوَلَّوْا» استفاده شده است. و همچنین استفاده از واژگانی که مفهوم مکانی دارند مانند: (المشرق و المغرب، السماء، شطر المسجد الحرام). در آیه ۱۱۵ وجه الله در مفهوم خداوند و رضای او، در آیه ۱۴۴ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۷۷ به معنای روی و چهره و توجه آمده است.

در آیه ۲۷۲، واژه «وجه» با انفاق و ابتغاء و الله همنشین شده است و در معنای ظاهری نمی‌باشد بلکه کنایه از رضایت الهی می‌باشد. زیرا در آیات ۲۰۷ و ۲۶۵ سوره مبارکه بقره بجای «ابتغاء وجه الله» از «ابتغاء مرضات الله» استفاده شده است که مرضات در واقع جانشین وجه شده و یک مفهوم دارند. بررسی شبکه معنایی و مقوله شعاعی کلمه وجه و هم‌خانواده‌های آن باتوجه به همنشین‌ها در هشت آیه سوره مبارکه بقره منجر به ارائه ترجمه دقیق این واژه شده است:

۱- ﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (۱۱۲:۱)

آری، هر کس که خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست، و بیمی بر آنان نیست، و غمگین نخواهند شد (فولادوند).



شکل ۳: شبکه معنایی و مقوله شعاعی در بقره/۱۱۲

در این آیه شریفه، باتوجه به بافت موقعیت و بیان حالت شخص در «وَهُوَ مُحْسِنٌ» و وعده‌هایی که به واسطه کلمات همنشین در این شبکه معنایی داده شده، و در پایان مسیری بی

۳۳ بررسی شبکه معنایی واژه «وجه» و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم ...

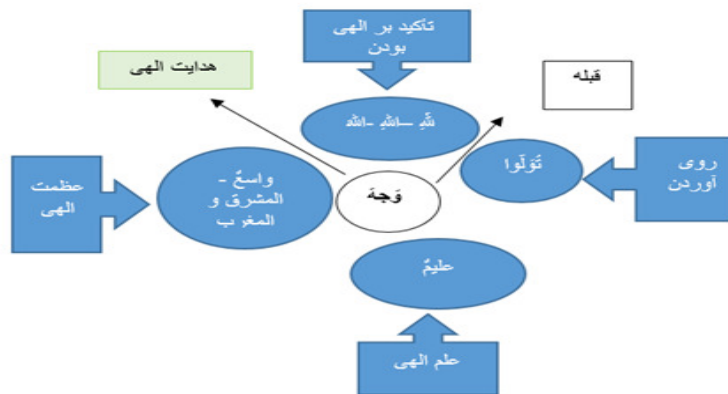
وحشت و اندوه را ترسیم نموده است لذا ترجمه «وجه» به عنوان مسیر حرکت مناسب تر است.

۲- ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (۱: ۱۱۵).

و مشرق و مغرب از آن خداست؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست. آری، خدا

گشایشگر داناست

(فولادوند).



شکل ۴: شبکه معنایی و مقوله شعاعی در بقره/۱۱۵

باتوجه به این که واژگان به کار رفته، در واقع هم‌نشین‌های وجه، بر مکان دلالت دارند مانند:

(المشرق، المغرب، أينما، ثم، واسع)، لذا ترجمه «وجه الله» به عنوان مسیر هدایت الهی به مفهوم

اصلی نزدیک تر می‌باشد.

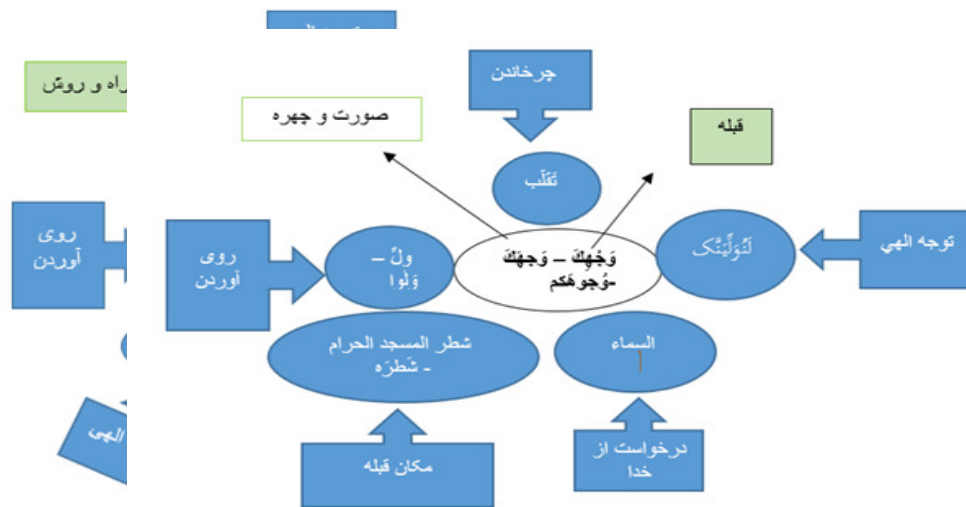
۳- ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ

فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ...﴾ (۱۹: ۱۴۴).

«ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم. پس [باش تا] تو را به قبله‌ای

که بدان خشنود شوی برگردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن؛ و هر جا بودید، روی

خود را به سوی آن بگردانید...» (فولادوند).



شکل ۵: شبکه معنایی و مقوله شعاعی در بقره/۱۴۴

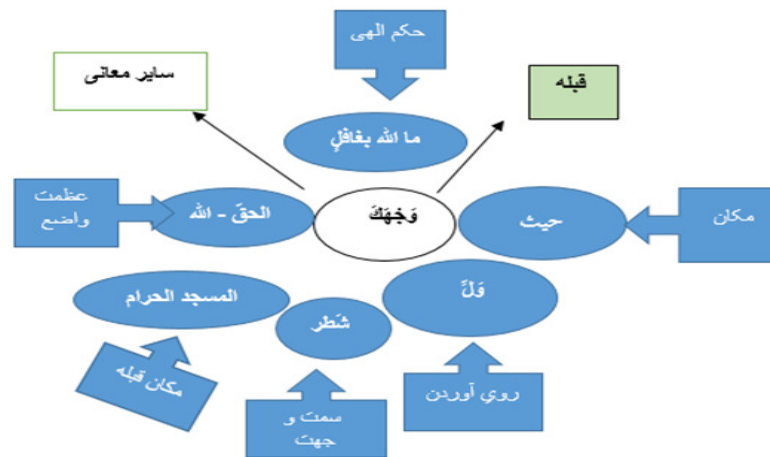
شبکه معنایی که بر کل آیه حاکم است و پیوند شعاعی میان آن‌ها که چارچوب قومی به آیه می‌دهد نشان می‌دهد که کلمات «وجهت - وجهتكم» به مفهوم ظاهری مادی یعنی قبله می‌باشند.

۴- ﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَبِقُوا الْحَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۱۴۸:۱).

وجهت: وجه در این آیه به دو معنا به کار می‌رود: قبله و جهت؛ روش و شیوه.

«و برای هر کسی قبله‌ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می‌گرداند؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد؛ در حقیقت، خدا بر همه چیز تواناست» (فولادوند)

و اگر کلمه «وجهت» را به معنای طریقه و شیوه (جهت و راه و روش) بگیریم، معنای آیه این است: «برای هر کسی، طریقه و شیوه‌ای است که به سوی همان راه کشیده می‌شود، پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد؛ قطعا خدا بر هر چیزی تواناست».

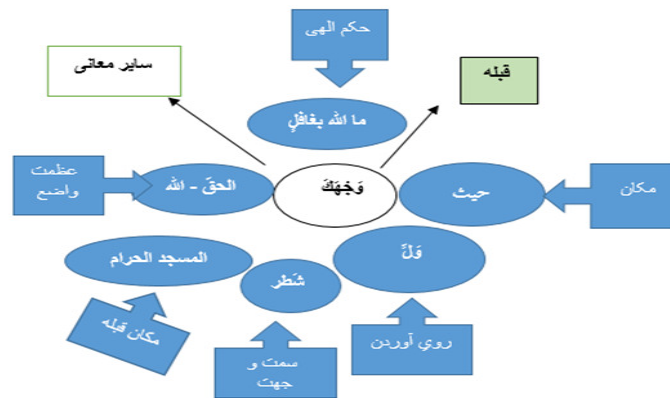


شکل ۶: شبکه معنایی و مقوله شعاعی در بقره/۱۴۸

باتوجه به کلمات به کار رفته در آیه و شبکه معنایی، مفهوم وجهه از حد «قبله» به مرتبه بالاتر یعنی راه و روش ارتقاء می‌یابد زیرا باتوجه به خیری که همگی باید در آن سبقت بگیرند، مسیر و روش زندگی به شکل عام مورد نظر شارع مقدس است تا بر جهان شمول بودن قرآن کریم صحه گذارد لذا علی‌رغم این که برخی «وجهه» را مصدر بمعنای توجه کردن گرفتند، قول برخی دیگر که آن را اسم بمعنای جهت یا راه و روش می‌دانند صحیح‌تر است (طبرسی، بی تا، ج ۲، ص. ۱۰۹).

۵- ﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (۱۴۹:۱).

و از هر کجا بیرون آمدی، روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان، و البته این [فرمان] حق است و از جانب پروردگار تو است و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست (فولادوند).



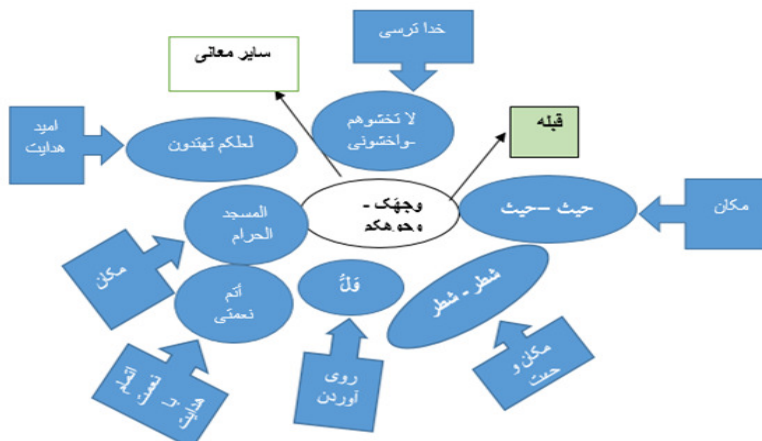
شکل ۷: شبکه معنایی و مقوله شعاعی در بقره/۱۴۹

در این آیه و دو آیه دیگر پیش رو (۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۷۷)، شبکه معنایی دلالت از مفهوم مکان یعنی بُعد مادی این کلمه می‌باشد. واژگانی مانند: حيث، شطر، المسجد الحرام که حاکی از مکان روی آوردن و توجه هستند، نشانگر مادی بودن این توجه می‌باشند لذا ترجمه به صورت قبله، اشاره دقیق به مفهوم اصلی آیات دارد.

۶- ﴿وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمِمْ عَلَيَّكُمْ وَعَلَيْكُمْ كَيْدُونَ﴾ (۱۵۰:۱).

و از هر کجا بیرون آمدی، [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجد الحرام بگردان؛ و هر کجا بودید روی‌های خود را به سوی آن بگردانید، تا برای مردم - غیر از ستمگرانشان - بر شما حجتی نباشد. پس، از آنان نترسید، و از من بترسید، تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم، و باشد

که هدایت شوید  
(فولادوند).



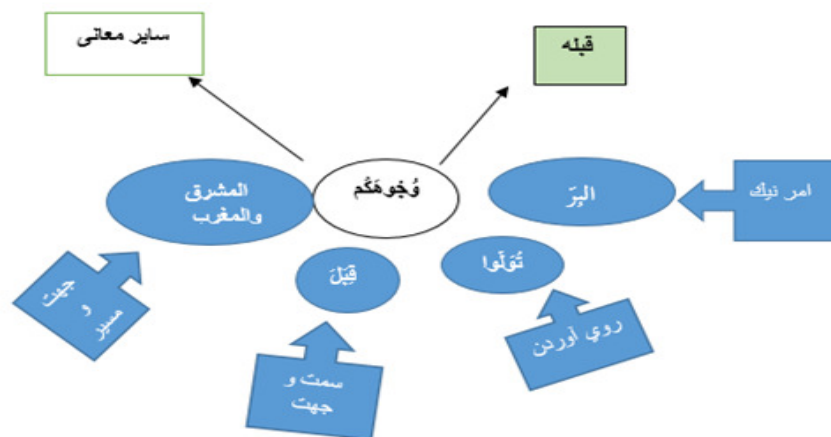
شکل ۸: شبکه معنایی و مقوله شعاعی در بقره/۱۵۰

در این آیه همانند آیه قبل شبکه معنایی دال بر مکان حاکم می‌باشد کلماتی

مانند: حیث (دو بار)، شطر (دو بار)، المسجد الحرام. باتوجه به این کلمات و مقوله شعاعی که از حق بودن الله و عدم غفلت ذات اقدس از هدایت انسان ضمن تأکید بر خصلت خدا ترسی جهت قرار گرفتن در یک مسیر واحد به امید هدایت بشریت.

۷- ﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولَّوْا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ...﴾ (۱: ۱۷۷).

«نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید...» (فولادوند).



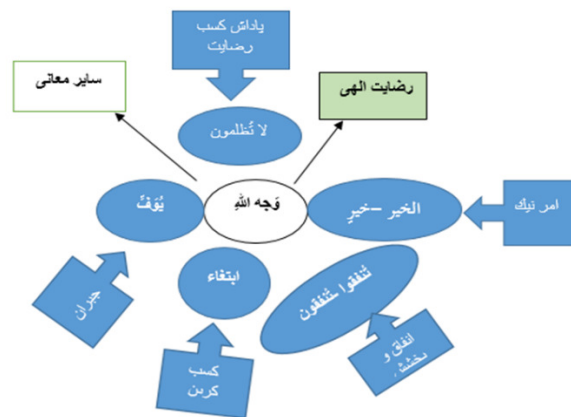
شکل ۹: شبکه معنایی و مقوله شعاعی در بقره/۱۷۷

در تکمیل آیه ۱۵۰ سوره بقره، خداوند در این آیه، داشتن قبله واحد را نشان نیکوکاری نمی‌داند. در این جا نیز باتوجه به شبکه معنایی و بافت و سیاق کلماتی که بر مکان اشاره دارند مانند: قِبَلَ، المشرق، المغرب، به این مسئله اذعان دارد که مفهوم وجه قطعاً قبله است بنابراین وحدت در آن را لازم اما ناکافی می‌داند.

۸- ﴿... وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (۱: ۲۷۲).

هدایت آنان بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و هر مالی که انفاق کنید، به سود خود شماست، و [لی] جز برای طلب خشنودی خدا انفاق مکنید، و هر مالی را که انفاق کنید [پاداش آن] به طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت (فولادوند).





شکل ۱۰: شبکه معنایی و مقوله شعاعی در (بقره/۲۷۲)

آخرین آیه از سوره مبارکه بقره که از واژه «وجه» استفاده نموده و آن را به خدا اختصاص داده است (وجه الله)، دارای شبکه‌ای از معانی است که باتوجه به واژگان هم‌نشین (خیر، انفاق، کسب رضایت، کسب کردن و جبران نمودن) در مفاهیمی هستند که رضایت الهی بهترین واژه برای ترجمه آن جهت رساندن مفهوم اصلی عبارت می‌باشد.

#### نتیجه‌گیری:

بررسی شبکه معنایی و مقوله شعاعی واژه «وجه» در سوره مبارکه بقره با استفاده از هم‌نشین و جانشین‌های آن در بافت و سیاق عبارت، این نتایج حاصل نمود:

۱- معانی ظاهری و باطنی واژه «وجه» در این آیات شناسایی گردید بدین ترتیب که ابتدا واژه سرنمونی و سپس معنای سرنمونی آن تعیین شد سپس برای این واژه و واژگان هم‌ریشه، شبکه معنایی رسم گردید تا به کمک معیارهای تعیین سرنمون، معانی متمایز این ریشه مشخص شود و در نهایت باتوجه به کلمات هم‌نشین و بافت فرهنگی، شبکه معنایی که بر بافت آیه حاکم بود، واژه «وجه» از معنای ظاهری به معنای باطنی و اصلی تغییر مفهوم داد تا پیام این آیات به صورت دقیق به مخاطب منتقل شود.

۲- بررسی شبکه معنایی این واژه باتوجه به سیاق آیات، گستردگی مفهومی آن را بیش از پیش هویدا نمود.

۳۹ بررسی شبکه معنایی واژه «وجه» و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم ...

۳- معناشناسی شناختی و نظریه سرنمونی و مقوله شعاعی روش مناسبی جهت شناخت مفاهیم واژگان می‌باشد و مترجمین قرآن کریم می‌توانند با تکیه بر آن به درک و ترجمه دقیق آیات مبادرت ورزند.

#### منابع:

قرآن کریم.

ابن درید الأزدی، ابوبکر محمد بن حسن (۱۹۸۷). جمهرة اللغة. المحقق: رمزی منیر بعلبکی. دار العلم للملایین.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون. مكتب الاعلام السلامی.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱). خدا و انسان در قرآن. (احمد آرام، ترجمه). شرکت سهامی انتشار (نشر اصلی ۱۹۶۴).

تقیه، محمد حسن (۱۳۸۲). ترجمه قرآن: چالش‌ها و راهکارها. مطالعات ترجمه. ۱ (۱)، ۵۳-۴۳.

تیلور، جان آر، و لیتل مور، جاننت (۱۳۹۶). راهنمای زبان‌شناسی شناختی. (وجیهه فرشی و نجمه فرشی، ترجمه). نشر نویسه پاریسی (نشر اثر اصلی ۲۰۱۵).

حسابی، اکبر (۱۳۹۳). شبکه چارچوبی و شبکه واژگانی؛ دو ابزار ارزشمند برای ترجمه. مطالعات ترجمه. ۱۲ (۴۶)، ۳۰-۱۷.

الخولی، محمد علی (۲۰۰۰). علم الدلالة: علم المعنى. دار الفلاح للنشر و التوزیع.

راسخ مهند، محمد (۱۳۹۷). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. سمت.

راغب اصفهانی، حسین (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. (سیدغلامرضا خسروی حسینی، ترجمه). مرتضوی.

شریفی، علی (۱۳۹۴). معناشناسی قرآن در اندیشه شرق‌شناسان با تأکید بر ایزوتسو. انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۷). مبانی معناشناسی نوین. چاپ ششم. سمت.

صفوی، کورش (۱۳۹۲). درآمدی بر معنی‌شناسی. سوره مهر.

طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). مجمع البیان. ۲۷ ج. فراهانی.

۴۰ مطالعات ترجمه، سال بیست و دوم، شماره هشتاد و شش، تابستان ۱۴۰۳

عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۸۳). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. چاپ دوم، نوید اسلام.

فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق). ترجمه پارسی قرآن کریم. دار القرآن الکریم.

گیررتس، دیرک (۱۳۹۳). نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی. (کوروش صفوی، ترجمه). علمی (نشر اثر اصلی ۱۹۱۷).

لفظی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۹۵). درآمدی به اصول و روش ترجمه. چاپ یازدهم. مرکز نشر دانشگاهی.

مختار عمر، أحمد (۱۹۹۸). علم الدلالة. عالم الکتب للنشر و التوزیع و الطباعة

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطیع، مهدی (۱۳۸۷). معناشناسی زیبایی در قرآن کریم. دانشگاه اصفهان.

Evans, V., & Green, M. (2006). Cognitive linguistics, An introduction. Edindurgh University Press.

Lakoff, G., & Johnson, M. (1999). Philosophy in the flesh: The embodied mind and its challenge to Western philosophy. University of Chicago Press.

Lee, D. (2001). Cognitive linguistics. Oxford University Press.

Ungerer, F., & Schmid, H. J. (1996). An introduction to cognitive linguistics. Longman.

Talmy, I., (2000). Toward a cognitive semantics (2 vols.). MIT Press.

Tyter. A., & Evans, V. (2003). The semantics of English prepositions, spatial scenes, embodied meaning and cognition. Cambridge University Press.